

دو تپه‌ی دو پشه = ۹

مگر چیزی به اسم rewind وجود ندارد

امیر پوریا

یک: پشه که بودیم، با برادر در همان فضاهای محدود همیشگی آپارتمانی، با توب‌های کوچک‌تر از حد معمول، فوتبال بازی می‌کردیم و با قرعه‌کشی و گروه‌بندی و تشریفات کامل، جام جهانی برگزار می‌کردیم. تک‌تک بازی‌ها را گزارش می‌کردیم و صدای تماشاگران را هم خودمان لابه‌لای کلمات گزارشگر درمی‌آوردیم. ضربات پنالتی در بازی‌های حذفی که به تساوی می‌کشید، اسلوموشن صحنه‌های حساس، رعایت قوانین داوری … همه و همه درست مانند فوتبال واقعی سر جایش بود. تنها تفاوت ماجرا این بود که در بازی‌های ما، ایران به طور خارق‌العاده‌ای قدرتمند بود و در کنار بزرگان همیشگی فوتبال دنیا قرار می‌گرفت. بسیاری اوقات فینال جام جهانی‌هایی که برپا می‌کردیم ایران- برزیل یا ایران- آلمان غربی (در آن مقطع زمانی) از کار درمی‌آمد. برای آنکه بتوانیم پشت سر هم و به خصوص در تابستان‌ها دو یا سه جام جهانی داشته باشیم به آینده نمی‌رفتیم و مثلاً جام جهانی چهار سال بعد را بازی و گزارش نمی‌کردیم بلکه rewind می‌کردیم و به بهانه مرور جام‌های جهانی گذشته، بازی‌های خیالی خودمان در چهار یا هشت سال پیش را از تلویزیون نشان می‌دادیم. مادرم که می‌دید این سبیر از هفت هشت‌سالگی تا حدود ۱۰ سال بعد!) ادامه داد، معمولاً در وصف دیوانه‌وار بودن این حرکت که گاه به گلدان شکستن در سالن خانه هم منجر می‌شد، می‌گفت «فقط فوتبال بازی نمی‌کنن که؛ جای ۲۲ نفر می‌اون و جای ۱۰۰ هزار نفر داد می‌زنن» و اشاره توضیحی ما به اینکه استانداردهای بزرگ دنیا به ندرت مثل آزادی خودمان گنجایش ۱۰۰ هزار نفر را دارند، فایده‌ای نداشت.

دو: اما اینها را گفتم تا به نکته ویژه‌ای برسم: در این مسابقات که طبعاً الان یاد هر جزء و گوشه‌اش می‌افتیم، با وجود تمام وجوه نوستالژیک‌اش، از فرط مسخرگی خندممان می‌گیرد، یک کارت مقوایی مرعی کوچک درست کرده بودیم که یک طرفش قرمز و طرف دیگرش زرد بود. خودمان از نقش بازیکن به نقش داور تغییر ماهیت می‌دادیم و به عنوان داور در مواقع لزوم به بازیکنان اخطار می‌دادیم یا اخراج‌شان می‌کردیم. از یکی از سوررئال‌ترین و مضحک‌ترین خاطراتی که از آن دوران طولانی داریم، گاه پیش می‌آمد که داور برای نشان دادن کارت زرد به بازیکنی تکه‌مقوای دست‌ساز را از جیبش درمی‌آورد و به اشتباه آن روی قرمزش را رو به بازیکن می‌گرفت. در همان لحظه که با واکنش آنی بازیکن از فریاد آنی تماشاگران از فرط تعجب مواجه می‌شد، با نگاه کردن به کارت بوی دستش که قسمت زرد آن رو به خودش بود، می‌فهمید که به اشتباه بازیکن را اخراج کرده. بعد خودش هم به جای تغییر و تصحیح رای یا در واقع به جای اصلاح جهت حرکت دستش، در واکنشی آنی، دودستی توی سرش می‌زد و از این خطا حرص و حسرت می‌خورد. بازیکن مغفوک هم از زمین بیرون می‌رفت و تمام این بلاهت از آن جایی در بازی جاری می‌شد که انگار داور امکان rewind کردن خودش و دستش و اصلاح نحوه کارت دادنش را نداشت.

دو: سال‌هاست که امکانات فنی حتی می‌تواند میانگین سرعت دوربین هر بازیکنی یا مثلاً میزان مسافتی را که در مجموع بازی دویده، محاسبه کند. اما شدت تکیه فیفا به رای آنی داوری که در زمین می‌دود به قدری است که انگار حتی قابلیت فنی ابتدایی و سساده‌ای مثل rewind کردن تصویر هر لحظه و حادثه بازی و دیدن اسلوموشن آن و تصحیح رای داور وجود ندارد. می‌دانم یا خودتان یا خطاب به من می‌گویید اگر پرسوسه داوری بخواهد به تصاویر ضبط‌شده بازی متکی شود جا برای اعتراض بیشتر بازیکنان و مربیان و درخواست‌شان برای رجوع مداوم به تصاویر تا حدی که حضور داور را به کلی نادیده بگیرند، تا بی‌نهایت باز می‌شود. اما واقعا فکرش را بکنید در حالی که خطای منجر به اخطار دوم میروسلاو کوزه و اخراج او در بازی کابوس‌وار آلمان- صربستان آشکارا و با دیدن هر یک از زوایای حرکت آهسته، اصلاً نیاز به جریمه با کارت نداشت، با وقتی کل سوم امریکا در برابر اسلورنی در فاصله ۳۰ ثانیه بعد از به ثمر رسیدن، از دید بیننده تلویزیونی گل درستی بود و از دید داور اهل مالی مردود اعلام شد. (و سارات اعلام این قربانی شدن تیم امریکا را تلویزیون ما فقط بزرگ‌مردی چون هوشنگ نصیرزاده داشت). rewind نکردن و سراغ تجدیدنظر نرفتن، به اندازه همان کار ما در بچگی، مضحک نیست؟ این چه شیوه بیماری است که هنوز و بعد از این همه پیشرفت تکنولوژیک باید دایرِبارِجا بماند تا فقط به رسم شعارهای مورد علاقه فرهنگ دهه شصتی گزارشگران تلویزیون خودمان و البته جواد خیابانی که هنوز و به طور مداوم همان شعارهای بدبهی را در باب «همه باید به رای قاضی مسابقه احترام بذارن» هر ۱۰ دقیقه یک بار تکرار می‌کند، قطعیت کرسی داوری حفظ شود؟ که چی؟ این مضحک نیست که میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا با دیدن تصویر اسلوموشن rewind شده، از همان میانه بازی بدانند که رای داور غلط بوده، ولی بازیکنان طوری که انگار در برهوتی خالی از تکنولوژی تصویر بازی می‌کنند، طبق قاعده فیفا که امکان داوری مجدد بر اساس تصاویر ضبط‌شده را نمی‌دهد، به رای غلط گردن نهند و مثل همان جام‌های بچگی ما، سرشان را پایین بیندازند؟ در شرایطی که مثلاً الان فرانسه به ناحق در جام حضوری خنثی و ماست‌وار دارد و ایرلند باطراوت تِراپوتونی غایب است، محروم شدن بعدی داور، چه سودی خواهد داشت؟ آیا امکان اشتباهات بعدی را از بین خواهد برد؟ تعبیر «اشتباه در داوری، طبیعی است» تا کی باید توجیه ایرانی و جهانی این کاستی باشد؟ چرا سیستمی طراحی نمی‌شود که در معادله‌ای کم و بیش مشابه کشتی امکان تغییر و تصحیح رای داور وسط توسط داور زمین تا حدود ۱۰ ثانیه بعد از اعلام نظر، وجود داشته باشد؟ آیا تداوم این وضعیت در دورهای حذفی این‌جام و در تورنمنت‌های مهم بعدی جز بلاهت، لجاجت و مقاومت در برابر امکان «بی‌خطا بودن» که تکنولوژی در اختیارمان می‌گذارد، معنای دیگری خواهد داشت؟

۹ گهی چاک

■ **فیفا پاداش شاهکار کامرانی‌فر را داد**

فیفا پاداش قضاوت تحسین‌برانگیز حسن کامرانی‌فر را داد تا تیم داوری الغمدی، کامرانی‌فر و مرزوقی قضاوت دیدار حساس شیلی و سوئیس را بر عهده داشته باشد. به گزارش اسپنا، پس از آنکه کامرانی‌فر با شاهکارش در دیدار فرانسه و مکزیک تحسین کارشناسان داوری دنیا را برانگیخت، تیم داوری الغمدی متشکل از کامرانی‌فر و مرزوقی برای قضاوت دیدار شیلی و سوئیس که یکی از حساس‌ترین دیدارهای یک‌هشتم رقابت‌های جام جهانی است، انتخاب شد. این در حالی است که به تیم‌های داوری برای هر یک از مراحل سه‌گانه مرحله گروهی جام جهانی تنها یک قضاوت می‌رسد، اما فیفا برای این تیم در روز دوم بازی‌ها دو دیدار در نظر گرفته است.

■ **بوفون در یک‌تقدمی اتاق عمل**

طبق گزارش منتشره در توتوسپورت، جیان‌لوینچی بوفون سسنگبران تیم ملی ایتالیا پس از بازگشت از آفریقای جنوبی، باید مورد عمل جراحی قرار بگیرد تا دیسک عودکرده کمزش را مورد درمان قرار دهد. بوفون پیش از دیدار فرانسه مقابل پاراگوئه در جریان وارم آپ دچار مصدومیت شد و بسیار بعید به نظر می‌رسد بتواند در دیدار دیگری در رقابت‌های جام جهانی در دروازه آتُوری قرار بگیرد. این در حالی است که خود او امیدهای فراوانی داشت تا بتواند برای بار دیگر در این رقابت‌ها برای تیمش به میدان برود. بوفون زمانی که لاتانزپوناله از آفریقای جنوبی به ایتالیا بازگردد، کمزش را به نجران خواهد سپرد و طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده تیم‌دکم برای چهار ماه پس از این عمل جراحی از میادین ورزشی به دور خواهد بود و به این ترتیب مسوولان بوفونست نیز باید به دنبال جانشین مناسبی برای او باشند.

۱۰ لاله‌ای صفتکه ۱۳

جام جهانی، حسرت یا مسرت؟

فوتبالی اصل گم‌کرده که سخت چسبیده به فریاتیِ خودآزار و خودشوز، فوتبالی که به طور مثال در بند منشور اخلاقی خودخواسته و خودساخته‌اش روز به روز سردر گم‌تر در خود می‌پیچد و همچنان اندر خم سرفز و خط ابروی برداشته و برنداشته و خط ریش لنگری بازیکنانش مدام دارد میان این و آن لنگر می‌خورد. از فوتبالی که هنوز که هنوز است نه خود می‌داند که «ف – ک»‌های من درآورده و سسرارورده‌اش در عرصه این فوتبال کدامند و نه من و تو، نه دیگر چه انتظار که در این همه حواس‌پرتی و در این همه مغلطه و ملغمه هنجارها و ناهنجاری‌های برپاساخته‌اش همه هوش و حواسش به گردش درست توپ در میدان‌هایش باشد؟ و به جای آنکه همه فکرش به درون میدان‌های فوتبال باشد، چنین که می‌رود همه ذکرش به پشت و برپا داشته و حق میدان‌ها است، این فوتبال را به چه امید و به چه آرزو می‌توان در میان جامی دید که چشم همه جهان به آن بسته؟! فوتبالی که تا بوده و هست هزینه‌های پربار و سربارش را تو گویی تا بد باید دولت و دولتیان از جیب مبارک‌شان پرداخت کنند؛ فوتبالی که هنوز که هنوز است در «با»سم الله حقوق حقه‌اش همچون حق پخش تلویزیونی و حق رایت فرآورده‌ها و حق تبلیغات محصولانش مانده، حالا تو بگو، در این درماندگی نبودن چنین فوتبالی در جام جهانی برای من و تو باید حسرت‌بار باشد یا بودنش مسرت‌بار؟!

۱۹ گزارش آخر

۱۰ گهی چاک

توافق کفاشیان و شمس در غیاب ترابیان

آتش زیر خاکستر

رئیس از رانرسیده لبخند به لب خبرهای خوبی می‌دهد: «ما تاکنون حق و حقوق کسی را ضایع نکرده و نخواهیم کرد که این موضوع در قبال شمس هم وجود دارد. ضمن اینکه هیچ مذاکره پنهانی با هیچ مربی خارجی برای حضور در راس تیم ملی فویتال نداشتیم، البته شمس اکنون برگشته و کارش را پیگیری می‌کند». سرمربی مستعفی هم مهر تاییدی روی حرف رئیس فدراسیون فوتبال می‌زند: «پس از جلسه‌ای که روز پنجشنبه با کفاشیان داشتم قرار شد با انجام یکسری تغییرات بار دیگر در اختیار تیم ملی فوتسنال باشیم.» این وسط تنها کسی که از ماجرا اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، شخص رئیس کمیته فوتسال فدراسیون است. عباس ترابیان می‌گوید: «من اصلاً خبر ندارم و نمی‌دانم قصه چیست. هیچ علاقه‌ای هم به صحبت راجع به این مساله ندارم.»

تا اینجا کار واضح و مشخص است که حسین شمس استغای خود را پس گرفته و یک بار دیگر هدایت تیم ملی فوتسال ایران را بر عهده می‌گیرد. فدراسیون فوتبال هم که مذاکراتی با هیچ مربی‌ای نداشته است. فقط می‌ماند ماجرای اختلاف شمس و ترابیان و کشاپتی که آن دو از هم کرده‌اند. علی کفاشیان تلاش دارد با کدخدامنشی همه چیز را حل و فصل کند: «شمس از سمتش استعفا داد تا ترابیان آن را پذیرفت اما بنده نپذیرفتم. به شمس گفتم با مصاحبه‌ها و ایجاد چنین جنجال‌هایی، به نتیجه‌ای نمی‌رسید. مشکلات به وجود آمده باید با صحبت‌های طرفین و جلسات مختلف حل شود. به هر حال هر دو مسوول هستید؛ یکی سرمربی تیم ملی و دیگری رئیس کمیته فوتسال. ممکن است در مسائل مختلفی سلاطین جداگانه داشته باشید که این موضوع‌ها داخلی بوده و نباید رسانه‌ای می‌شد. معتقدم

ژاپن بازنده سربلند

برد کم‌فروغ نارنجی‌ها

هلند دومین بازی‌اش در جام جهانی را در حالی برد که مثل بازی قبل برابر دانمارک، چندان خیره‌کننده ظاهر نشد و نتوانست سلطه کامل بر توپ و میدان داشته باشد. پیروزی خفیف یک بر صفر «نارنجی‌ها» برابر ژاپن دوباره همان سوال کهنه را در ذهن تداعی می‌کند؛ آیا هلند می‌تواند پرقدرت ظاهر شود و جام را بالای سر ببرد؟

■ **هلند یک – ژاپن صفر**

هلند می‌تواند برد کم‌رنگ خود را با یک چیز توجیه کند؛ ژاپنی‌ها عالی بودند. حال که ژاپن فقط یک گل از هلند برمدعا دریافت کرد آیا می‌توان دوباره دم از یک شگفتی جدید زد؟ حداقل این همان چیزی است که آفریقای‌های می‌گویند… ارتش نارنجی مارویک از همان ابتدا می‌خواست ثابت کند مدعی اصلی فتح جام است اما وقتی با دفاع مستحکم ژاپنی‌ها روبه‌رو شد قافیه را باخت. بازی منظم و شجاعانه ژاپنی‌ها باعث شد هلند توانایی لازم در ایجاد خلق موقعیت را نداشته باشد و فقط به ضربه برگردان درک کبود (دقیقه ۲۰) به عنوان موقعیت خطرناک گلزنی نسبت داده‌ای که گفته می‌شد «مخالف ادغام سیاست با ورزش» هستند، در روز حمله و دور بودن فن درفارت از جناح راست زمین باعث شده بود کارایی این دو بازیکن تا حدود زیادی زیر سوال برود. هلندی‌ها به رغم فرصت‌های نصفه نیمه‌ای که هیتنگا و فن برونکهوپوست (۳۸) ایجاد

●.....< سجاد فیروزی

آن از اقتصادشان، این هم از فوتبال‌شان

چاوس: اروپا هنوز هم در بحران است

در اینکه فوتبال جزء لانیفک زندگی اجتماعی انسان‌ها شده است هیچ تردیدی نیست؛ تاثیر پیروزی، شکست، موفقیت و ناکامی یک تیم ملی خیلی زودتر از آنچه تصور شود در تار و پود جامعه رخنه می‌کند. حالا با آغاز جام جهانی، هرروز شاهد این هستیم که این رشته، رفته‌رفته دارد جزء لانیفک زندگی سیاسی دولتمردان مختلف نیز می‌شود. حضور سران کشورهای حاضر در جام جهانی نمونه کوچکی از اشتیاق «سیاسی»‌ها به این رشته مهج است. اما این موضوع مصداق‌های کاملاً بیشتری نیز دارد. یادمان نرفته که در روز تعیین میزبان بعدی رقابت‌های المپیک قطور باراک اوباما در محل حاضر شد و سعی کرد با نفوذ سیاسی‌اش امریکا را میزبان دوره بعدی المپیک کند. او اگرچه موفق به این امر نشد اما دولتمرد دیگری به خوبی از قدرت و نفوذ سیاسی‌اش بهره برد. نیکلا سارکوزی به‌رغم مخالفت نهادهایی که گفته می‌شد «مخالف ادغام سیاست با ورزش» هستند، در روز تعیین میزبان یورو ۲۰۱۶ به ژنو رفت و به خوبی از قدرت‌ش بهره برد. نتیجه این حضور میزبانی فرانسه در یورو ۲۰۱۶ شد تا سارکوزی هم مثل ژاک شیراک (رئیس‌جمهور اسبق فرانسه که توانست جام جهانی را به فرانسه بیاورد) نقش تعیین‌کننده‌ای در ورزش کشورش داشته باشد. اما کار به همین یکی دو مورد و ده‌ها موردی که در این مقال نمی‌گنجد، ختم نمی‌شود. برخی از سیاستون از ورزش به طور عام و از فوتبال به طور خاص استفاده می‌کنند تا عملکرد هم‌ردیفان خود در سایر کشورها را نیز مورد انتقاد قرار دهند؛ هوگو چاوس رئیس‌جمهور ونزوئلا پس از باخت تیم‌های آلمان، فرانسه و اسپانیا به حریفان‌شان در جام جهانی بهانه‌ای به دست آورد تا به سیاست‌های بحران‌زای اقتصادی اروپا بپرداز: «ببینید چه اتفاقاتی افتاده؛ اسپانیا باخت، فرانسه و آلمان هم به حریفان‌شان باختند… بجز این اروپایی‌ها همه چیزشان به هم ریخته است. آن از وضعیت اقتصادی‌شان، این هم از وضع فوتبال‌شان.» هوگو چاوس رئیس‌جمهور چچاری ونزوئلا با این تشبیه معنادار، بحران‌های اقتصادی اروپا را دوباره در ذهن سیاستمداران اتحادیه اروپایی تداعی کرد و فرصت تازه‌ای یافت تا به کشورهای غربی حمله کند.



سال پنجم ■ شماره ۹۹۲ ■ یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۹

۱۰ گهی چاک

معاون حقوقی سازمان تربیت بدنی بی‌پولی کمیته را توجیه کرد

فدراسیون‌های اعزامی به گوانگجو مشکل حادی ندارند

شاید این دهمین مصاحبه‌ای باشد که بهرام افشارزاده دبیر کل کمیته ملی المپیک ظرف چند هفته گذشته در مورد جیب خالی کمیته انجام داده است. انگار کسی به جز او دلش به حال کمیته نمی‌سوزد. فقط صدای اعتراض اوست که بلند می‌شود. کمتر از پنج ماه تا آغاز بزرگ‌ترین رویداد آسیایی در قاره کهن فرصت مانده اما هنوز هم یک ریال از بودجه ۲۰ میلیارد تومانی مصوب‌شده از سوی سازمان برنامه‌ریزی و بودجه به این مجموعه ورزشی کشور اختصاص داده نشده است. همه فدراسیون‌ها با پای لنگ امورشان را می‌گذرانند. نه‌تنها هیچ هزینه‌ای برای آماده‌سازی تیم‌های اعزامی به بازی‌های آسیایی و المپیک سنگاپور به فدراسیون‌ها پرداخت نشده بلکه حقوق ماهیانه ورزشکاران ملی‌پوش هم به تعویق افتاده است. همین چند روز پیش بود که افشارزاده اعلام کرد: «با اعتبار شخصی ۴۰ ساله‌اش در ورزش برنامه‌های کمیته را جلو می‌برد و نگذاشته کارها روی زمین بماند.» حالا عرصه برای دبیر کل کمیته ملی المپیک تنگ شده و می‌گوید: «یک ساه دیرتر هر چقدر پول بدهند دیگر فایده‌ای ندارد. اگر به موقع بودجه را نگیریم یک میلیارد و ۱۰۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد برایمان فرقی نخواهد داشت.» نبود بودجه در کمیته ملی المپیک روز به روز شرایط کار کردن را برای اهالی ورزش کشور (در آستانه بازی‌های آسیایی گوانگجو و المپیک سنگاپور) سخت‌تر می‌کند اما مسوولان سازمان ورزش تا این لحظه موضعی جز سکوت در قبال این قضیه نداشته‌اند. شاهین میرمحمدصادقی معاون حقوقی امور مجلس و هماهنگی استان‌های سازمان تربیت بدنی در تایید این سکوت سازمانی‌ها حرف‌های جالبی می‌زند: «در جلسه‌ای که میان مسوولان سازمان کمیته المپیک برگزار شد، این‌گونه برداشت کردم که فدراسیون‌های اعزامی به گوانگجو مشکل حادی برای



●.....< انتقاعی روژی

فحاشی آنلکا به دومنک

فرانسه همه چیز را می‌بازد

باخت دو بر صفر فرانسه برابر مکزیک، موج جدیدی از انتقادات را متوجه ریمون دومنک کرد. مربی خرافاتی و طالع‌بین آبی‌های اروپا با اتخاذ سیستمی ضعیف، دومین بازی‌اش را در جام جهانی که ارزش زیادی برایشان داشت وگنادر کرد تا حالا کار به اما و اگرهای بعدی بکشد. اما خبر ناراحت‌کننده‌ای که روزنامه اکیپ پرده از آن برداشت، به دعوا و مشاجره ریمون دومنک و نیکلا آنکا در بین دو نیمه بازی با مکزیک اختصاص دارد. اکیپ می‌نویسد ریمون دومنک سرمربی تیم ملی فرانسه در حالی که از بازی مهاجمش ناراحت بود به شیوه بازی‌اش اعتراض کرد و با صحنه کاملاً عجیبی روبه‌رو شد. دومنک از نیکلا آنلکا می‌خواهد اینقدر عقب بناید و بیشتر به محوطه جریمه مکزیک نزدیک شود. آنلکا که از انتقاد مربی تیم خوشش نیامده بود مقابل همه بازیکن‌های تیم به دومنک می‌گوید: «بروو…» دومنک که از فحاشی مهاجمش شوکه شده بود به او می‌گوید: «خب، پس میری بیرون.» و آنلکا در ادامه با صدای بلند می‌گوید: «آره، هومنی که گفتم.» پس از این مشاجره لفظی دومنک از آندره بی‌یر ژینیاک دیگر مهاجم تیمش می‌خواهد تا تسریع خود را آماده کند و به جای آنلکا از اول نیمه دوم وارد میدان شود. پس از پایان بازی در حالی که خبرنگاران فکر می‌کردند تمام ناراحتی فرانسوی‌ها از باخت به تیم مکزیک است سراغ آنی می‌روند تا نظرات‌شان را جویا شوند اما هر کس به طریقی از مصاحبه سسر باز می‌زند و سوار اتوبوس می‌شود. اما یکی از خبرنگاران اکیپ که گفته می‌شود رابطه خوبی با آنلکا دارد از چند و چون ماجرا باخبر می‌شود و سریع آن را مخابره می‌کند.

نکته جالب اینکه اکثر قریب به یقین رسانه‌های فرانسوی فقط به کلمات اولیه این الفاظ رکیک بسنده کردند اما روزنامه اکپ در اقدامی عجیب تمام جملات و الفاظ رکیک آنلکا را با تیتیر درشت روی صفحه اول می‌برد تا نشان دهد وضعیت تیم ملی چقدر بحرانی است. ناپیرئیس فدراسیون فوتبال فرانسه گفت آنلکا اخراج شده و باید از آفریقای جنوبی به فرانسه بازگردد.

